


## دیدگاه علمای حوزه علمیه قم نسبت به توسعه از رضاخان تا انقلاب اسلامی\*

رضا رمضان نرگسی / استادیار گروه تاریخ اندیشه معاصر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

ramazan@qabas.net

 orcid.org/0000-0002-9606-6922



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۹ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۵

### چکیده

از دوره رضاشاه تبلیغات گسترده‌ای مبنی بر دوقطبی‌سازی «علم و دین» یا «توسعه و دیانت» انجام گرفت، به گونه‌ای که هنوز هم در مجامع روشنفکری این مسئله به صورت پیش‌فرض مطرح می‌شود. هدف این تحقیق پاسخ به این سؤال است که موضع علمای حوزه علمیه قم در دوره پهلوی اول و دوم در مقابل چنین تبلیغات گسترده‌ای چه بود؟ برای پاسخ به این سؤال نوشته‌ها و سخنان برخی از علما و فارغ‌التحصیلان برجسته حوزه علمیه قم از عصر رضاخان تا انقلاب اسلامی واکاوی شد و معلوم گردید حوزه علمیه قم به شدت با هرگونه شائبه عوام‌گرایی و دامن زدن به شایعه مزبور مقابله کرده است. بزرگان حوزه علمیه قم همچنین با نوشتن کتاب و ایراد سخنرانی اولاً، بر عدم تنافی و تعارض علم و دین تأکید کردند و ثانیاً، با تشریح اوضاع به شدت نابسامان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران، عدم صداقت شعار توسعه از طرف حکومت را برای مردم برملا ساختند و ثالثاً، با تشریح نظریات خود مبنی بر لزوم پیشرفت براساس مبانی دین و جمع شدن عدالت و رفاه در الگوی اسلامی، مردم را به مقابله با دستگاه پهلوی اول و دوم ترغیب نمودند و انقلاب اسلامی را می‌توان نتیجه شکست توسعه غربی در ایران و اقبال عمومی به نظرات حوزویان دانست.

**کلیدواژه‌ها:** حوزه علمیه قم و توسعه، رضاخان و توسعه، توسعه و دیانت، علم و دین، پیشرفت، ارتجاع، استعمار.

حوزه علمیه قم در بدترین شرایط ایران پا به عرصه وجود گذاشت و *آیت‌الله حائری یزدی* با آنکه از طرف مرجعیت نجف، برای تصدی پست مرجعیت دعوت شده بود، با تأکید بر اینکه ایران رو به تباهی می‌رود و برای مقابله با این تباهی باید حوزه علمیه‌ای در ایران تأسیس شود،<sup>۱</sup> در ایران ماند و با تأسیس حوزه علمیه قم بخش عظیمی از نقشه‌های استعمار را خنثا کرد: در شرایطی که عثمانی از ایران قوی‌تر بود، ولی استعمار توانست خط نوشتاری، تاریخ رسمی، مذهب رسمی، هویت ملی و حتی نام کشور عثمانی را تغییر دهد، اما در ایران با وجود حوزه علمیه قوی موفق به این کارها نشد.

استعمار برای آنکه بتواند نقشه‌های خود را در این کشور عملی کند، لازم بود تا به نحوی مردم را با خود همراه سازد و کلیدواژه‌ای که می‌توانست مردم را متقاعد کند، «پیشرفت، توسعه، آبادانی کشور و رفاه عمومی» بود. استعمار با اعمال خود اقدام به دوقطبی‌سازی زندگی مردم نمود: رفاه همراه با امنیت و پیشرفت کشور یا دینداری همراه با فقر و فلاکت. او مردم را بین انتخاب این دو مخیر کرد و *رضاخان* را مصدر توسعه، امنیت و پیشرفت، و علما و دینداری را منبع فقر و عقب‌ماندگی و ناامنی معرفی نمود.

بنابراین، پهلوی اول و دوم و اطرافیان‌شان با شعار پیشرفت و توسعه وارد شدند و برای آنکه بتوانند مردم را از علما، دین و روحانیت جدا کنند چنین شایع کردند که روحانیت با پیشرفت مخالف است. امام خمینی<sup>۲</sup> در این خصوص می‌فرماید:

مردم را از طرفی با تبلیغات کاریکاتورهای روزنامه‌ها و از طرفی با فشارهای سخت به روحانیون و خفه کردن آنها در تمام کشور و از طرفی شایع کردن اسباب‌عشرت و ساز و نواز و سرگرم کردن مردم به کشف حجاب و کلاه لگنی و مجالس سینما و تئاتر و آن چیزهایی که می‌دانید و گول زدن آنها را به اینکه این‌گونه بازی‌ها تمدن و تعالی کشور است و دینداران مانع از آن هستند، پس آنها مانع از ترقیات کشور و اساس زندگی هستند، با این حيله‌ها و صدها مانند آن توده را از روحانی دلسرد، بلکه به آنها بدبین کردند و علاقه به دین، دنبال آن از دست رفت. ... یک دسته زیاد گول آنها را خوردند و با ساده‌لوحی ترقیات کشور را با این بازیچه‌ها پنداشتند ... و از کلمه «ارتجاع» به‌طوری آنها را ترسانیدند که هر قدر مفاسد یک موضوعی را دیدند برای آنکه به آنها نگویند «کهنه‌پرست» یا «فناتیک» چشم از مصالح کشور پوشیدند و ننگ خیالی این کلمه موهوم را به خود نخریدند.<sup>۲</sup>

بنابراین، سؤال اصلی تحقیق حاضر این است: مواضع حوزه علمیه قم نسبت به دوقطبی‌سازی توسعه و ارتجاع چه بود؟ چون تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی است، روش گردآوری داده‌ها «اسنادی و کتابخانه‌ای» است و برای تحلیل داده‌ها از روش «تحلیل تاریخی» استفاده شده است.

هرچند درباره حوزه علمیه قم کتاب‌های بسیاری نوشته شده، اما کتابی که اختصاصی به مسئله توسعه از نظر

۱. سهیل علی‌مددی، «نقش تاریخی آیت‌الله حائری یزدی»، ص ۱۲.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، کشف‌الاسرار، ص ۲۲۰-۲۲۲.

علمای حوزه علمیه قم پرداخته باشد، به دست نیامد. در تدوین این مقاله از رساله‌ها و کتاب‌های علمی علمای حوزه علمیه قم و سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های مدوّن ایشان استفاده شده است. این کتاب‌ها سه دسته‌اند:

دسته اول. کتاب‌هایی که در جواب شایعات جریان توسعه ادعایی نوشته شده است. برخی از این کتاب‌ها که در دوره رضاخان نوشته شده عبارتند از: ۱. کتاب *مدینه الاسلام و روح تمدن، آیت‌الله احمد شاه‌رودی*؛ ۲. کتاب *گرانقدر کشف الاسرار*، امام خمینی<sup>۳</sup> برخی از این کتاب‌ها در عصور متأخر و اواخر دوره پهلوی دوم نوشته شده‌اند؛ مثل کتاب‌های شهید مطهری.

دسته دوم. کتاب‌هایی که هرچند موضوع آنها اخلاقی یا فقهی است، اما به مناسبت، از توسعه و پیشرفت اسلامی سخن به میان آورده‌اند؛ مثل کتاب *تئذرات المعارف، آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی*.

دسته سوم. سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هایی که از علما منتشر شده است. عمده این سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها در *صحیفه امام* گرد آمده است.

## ۱. چارچوب مفهومی

### ۱-۱. رشد

مفهوم «رشد» در علوم اجتماعی از علوم زیستی گرفته شده است. این اصطلاح بیشتر بر دگرگونی‌های کمی تأکید دارد و اندیشمندان اختلاف زیادی بر سر آن ندارند. البته باید توجه داشت که در علوم اجتماعی بیشتر به صورت رشد اقتصادی مطرح است. در اصطلاح امروزی در تمام شاخه‌های علوم اجتماعی وقتی «رشد» بدون پسوند به کار رود در معنای اقتصادی به کار می‌رود و به معنای تغییرات کمی در سطوح فنی، صنعتی و کشاورزی و حتی سایر جنبه‌های کمی مثل جمعیتی مطرح است.<sup>۱</sup> معمولاً مفهوم «رشد» با شاخص‌های افزایش درآمد ملی، مجموع حجم کالا و خدماتی که در کشور ارائه می‌گردد، سنجیده می‌شود.<sup>۲</sup>

### ۱-۲. پیشرفت

«پیشرفت»<sup>۳</sup> در لغت به معنای رشد کردن، پرورش یافتن، بسط یافتن، قوام یافتن، توسعه دادن، گسترش دادن، بسط دادن، پرورش دادن، رویاندن، آباد کردن، معمور کردن است.<sup>۴</sup>

در اصطلاح عبارت است از: حرکت به جلو در مسیر با هدفی مشخص،<sup>۵</sup> و به عبارت دیگر، به تغییر در یک مسیر مورد انتظار «پیشرفت» گویند.<sup>۶</sup>

۱. عبدالعلی لاهیانی‌زاده، *جامعه‌شناسی توسعه*، ص ۵.

۲. مایکل تودارو، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ص ۱۰.

3. Develop, Development.

۴. محمدرضا جعفری، *فرهنگ نشر نو*، ص ۳۰۷.

5. Daniel Lerner, "Modernization, Sosial Aspects", in: D. L. Sills (ed.), *International Encyclopedia of the Social Sciences*, V. 10, p. 386.

6. T. F. Hoult, *Dictionary of Modern Sociology*, p. 252.

بنابراین، با توجه به اهداف علمی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی یا نظامی، پیشرفت هم رنگ و بوی همان اهداف را به خود می‌گیرد و به پیشرفت علمی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی یا نظامی متصف می‌شود.

### ۳-۱. نوسازی

اصطلاح «نوسازی» برای تحلیل مجموعه پیچیده‌ای از تحولاتی که در همه زمینه‌ها برای انتقال از جامعه سنتی به جامعه نوین غربی رخ می‌دهد، به کار برده می‌شود. نوسازی شامل تحولات در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و روانی است.

دانیل لرنر در تعریف «نوسازی» می‌نویسد: به فرایند تغییر اجتماعی به گونه‌ای که کشورهای کمتر توسعه‌یافته خصایص جوامع توسعه‌یافته غربی را کسب کنند، «نوسازی» گفته می‌شود.<sup>۱</sup>

روان‌شناسان اجتماعی مانند الکس/اینکلس «نوسازی» را نوعی فرایند اجتماعی - روانی دانسته‌اند که طی آن افراد نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید دنیای جدید (غربی) را کسب می‌کنند.<sup>۲</sup>

اقتصاددانان نوسازی را فرایندی می‌دانند که در آن زمینه‌های شیوه معاش، تقسیم کار، به‌ویژه تقسیم کار اقتصادی، و استفاده از علم و فناوری پذیرفته شده است و در فعالیت‌های اقتصادی کشورهای پیشرفته، بهره‌گیری از فنون مدیریت جهانی، حسابرسی‌های اقتصادی و فراهم‌سازی تسهیلات تجاری و بازرگانی به نفع فردگرایی (لیبرالیسم) اقتصادی تغییراتی عمیق به وجود می‌آید.<sup>۳</sup>

سیاسیون نیز «نوسازی» را فرایندی می‌دانند که در آن تلاش می‌شود با افزایش مشارکت سیاسی و پیدایش نهادهایی همچون احزاب و انجمن‌های سیاسی، ساخت سیاسی جامعه به سوی هم‌نوایی با جوامع مردم‌سالار قدم بردارد.<sup>۴</sup>

در نظر هواداران مکتب تجددگرایی (مدرنیزاسیون) حذف سنت و محور جامعه سنتی، مقدمه هر نوع حرکت به سوی جامعه امروزی است. بنابراین زوال جامعه سنتی در جهان سوم با ایجاد تحول درونی در آن، مقدمه‌ای برای نوسازی آن جوامع است. در این مکتب جامعه سنتی باید متحول شود و به جای آن، جامعه امروزی پایه‌ریزی گردد. لازم‌ه این امر جایگزینی دنیاگرایی، عقل‌گرایی و عرفی‌گرایی به جای آخرت‌گرایی، مابعدالطبیعه‌گرایی، و ادغام دین و سیاست است.<sup>۵</sup>

1. Daniel Lerner, "Modernization, Social Aspects", in: D. L. Sills (ed.), *International Encyclopedia of the Social Sciences*, V. 10, p. 386.

۲. مصطفی ازکیا، جامعه‌شناسی توسعه، ص ۲۴.

۳. همان، ص ۲۵.

۴. همان.

۵. یحیی فوزی تویسرکانی، *منه‌ب و مدرنیزاسیون در ایران*، ص ۳۷.

برخی «توسعه» را معادل «پیشرفت» می‌دانند، و برخی دیگر آن را راهی برای پیشرفت معنا می‌کنند. فرهنگ انگلیسی آکسفورد (۲۰۰۱) «توسعه» را به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ‌تر شدن معنا کرده است.

براساس افکار و نظریاتی که در این زمینه شکل گرفته، توسعه به صورت یک نظریه عمومی مطرح شده است که بیشتر به برنامه‌ریزی و آینده‌نگری توجه دارد، لیکن این اصطلاح نیز دارای بار ارزشی و مقایسه‌ای است و به پیشرفت در جهت وضعیت جوامع صنعتی غربی توجه دارد. بدین‌روی نباید از جنبه‌های ارزشی آن که برخاسته از جوامع غربی است، غافل شد.

گی‌روثه در این باره می‌گوید: آنچه ما در اینجا «توسعه» می‌نامیم، در یک معنای عام‌تر، هم توسعه اقتصادی و هم توسعه صنعتی را دربر می‌گیرد و منظور، مجموعه‌ای است که با توجه به برخی ارزش‌های مطلوب، به تحقیقات منطقی درباره شرایط زندگی جمعی و فردی جهت می‌بخشد. «توسعه» به معنای جست‌وجوی جدیدی است که باید دایم تجدید شود. منظور از طرح این مفهوم به اجمال اندیشیدن درباره شرایط و اوضاع تحول جامعه بشری در جهت یک جامعه آرمانی است.<sup>۱</sup>

«توسعه» به این معنا مترادف «نوسازی» است. از این‌رو متفکران عصر روشنگری نه‌تنها دین را مانع توسعه می‌دانستند، بلکه افول خود دین به‌مثابه یک نیروی اصلی و مهم اجتماعی را نشانه‌ای از توسعه اجتماعی تلقی می‌کردند. از نظر آنان، دین نمادی از ارتجاع اجتماعی و یک امر غیراختیاری و غیرآزادانه به‌شمار می‌رفت.<sup>۲</sup>

اما اگر «توسعه» را به معنای «پیشرفت» بگیریم حرکت همه‌جانبه کشور به سمت رفاه، آبادانی، عمران و سازندگی با حفظ ارزش‌ها و سنت‌های ملی و دینی و برای رسیدن به اهداف متعالی خواهد بود که از آن به «توسعه ایرانی - اسلامی» و یا «توسعه بومی» نیز نام برده می‌شود. اما چون معنای اول بیشتر مورد استفاده است تلاش شده تا در این تحقیق، از کلمه «توسعه» کمتر استفاده شود و بیشتر از کلمات «نوسازی» (به معنای غربی شدن) و «پیشرفت» (به معنای توسعه ایرانی اسلامی) استفاده شود.

۱. غلامعباس توسلی، نظریه‌های جامعه‌شناختی، ص ۶۳-۶۶

۲. ریچارد هنری پاپکین، دین، اینجا، اکنون، ص ۱۵۷.

## ۲. فرضیه تحقیق

با توجه به مطالعات نگارنده، فرضیه این تحقیق چنین تنظیم شده است:

اول. استعمار تلاش داشت تا با بی سواد و خرافی جلوه دادن روحانیت مردم را از روحانیت بیزار کند.  
دوم. آیت‌الله حائری با ایجاد حوزه علمیه در ایران به مرکزیت قم، نسلی از روحانیان باسواد و فرهیخته تربیت کرد.  
سوم. این نسل فرهیخته همانند آیت‌الله شاه‌آبادی، شاهرودی و امام خمینی<sup>ع</sup> با برملا کردن نقشه دشمنان، توانستند پیشرفت واقعی این ملت را تبیین کنند.

در تبیین فرهیختگان حوزه علمیه، «تجدد اسلامی» دارای دو جنبه «عدالت» و «پیشرفت» با هم است. این در حالی است که در الگوی پیشنهادی روشنفکران تنها نوید رفاه مادی داده می‌شد، که گذشت زمان نشان داد آن هم وعده موهومی بیش نبوده است.

بنابراین، تحصیل کرده‌های حوزه علمیه قم با موضع‌گیری درست نسبت به تجددگرایی و توسعه و ارائه الگوی درست، پیش‌تر برای کشور تا حد زیادی در سطح نخبگان با این دوقطبی‌سازی مقابله کرده، نقشه‌های دشمنان را خنثا کردند.

در اینجا برای آنکه مقدار صحت فرضیه مزبور سنجیده شود تلاش شده است نظرات برخی از فرهیختگان حوزه علمیه قم درباره علل عقب‌ماندگی و اسباب توسعه و پیشرفت کشور ذکر شود. اما به علت گستردگی مطالب مطرح‌شده در این بخش، اولاً تنها به سخنان برخی از دانشمندان طراز اول حوزه علمیه قم که دارای آثار معتاب‌ی در این زمینه بودند، بسنده شده، و ثانیاً فقط به خلاصه نظرات آنها اشاره شده است.

## ۳. چارچوب نظری

### ۳-۱. تلاش دو پهلوی در پیوند زدن عقب‌ماندگی کشور به حوزه‌های علمیه و واکنش حوزه علمیه قم

حکومت‌های دو پهلوی تلاش داشتند به نحوی حوزه‌های علمیه و دیانت را منبع خرافات و جهل و علت‌العلل عقب‌ماندگی کشور معرفی کنند.

شهید مطهری این وضعیت را در ضمن بازگویی یک داستان واقعی که برای یکی از دوستانش اتفاق افتاده چنین توصیف کرده است:

یکی از آقایان فضلالی عالیقدر ما قضیه‌ای را از قبل از سنه ۱۳۳۰ و اواخر دوره رضاخان نقل می‌کرد؛ می‌گفت: در سال‌های اولی که دانشگاه تأسیس شده بود مردی که بعدها وزیر فرهنگ و سنا‌تور شد، در مراسم دانشگاه برای دانشجویان سخنرانی می‌کرد و موضوع سخنرانی‌اش این بود که ما در گذشته چه داشتیم؟ و اکنون چه داریم؟ می‌گفت: «شما قدر این دولت و این حکومت و این تمدن را بدانید. شما الان آمده‌اید اینجا، می‌خواهید رشته‌های عالی ادبیات بخوانید، رشته‌های علوم را بخوانید، پزشکی بخوانید، فیزیک بخوانید، شیمی بخوانید، می‌خواهید در این رشته‌ها متخصص بشوید؛ هیچ می‌دانید ما در گذشته چه کتاب‌هایی داشتیم؟» رفته بود یکی از این کتاب‌های دعانویسی را که در آن جدول و مانند آن و آداب مارگیری [و احضار اجنه] و امثال اینها هست، آورده بود و آن را باز

کرده و گفته بود: آیا می‌خواهید بدانید که در گذشته، ما مردم به چه چیزهایی سرگرم بودیم؟ برای آنها می‌خواند: «چکری پکری مگری...» و گفت: اینها بوده است آنچه که ما داشتیم...!<sup>۱</sup>

امام خمینی<sup>ع</sup> نیز در نوشته‌های خود متذکر این نکته شده، تأکید می‌کند:

این ماجراجویان عقب افتادن خودشان را از ملل دنیا و باز ماندن از تمدن امروزه اروپا را از عقیده به دین و پیشوایان آن حساب می‌کنند و افسارگسیختگی و ترک مراسم دینی را اسباب تعالی و تمدن می‌شمارند.<sup>۲</sup>

در نقطه مقابل، حوزه علمیه قم تمام تلاش خودش را گذاشت تا با تبیین و روشنگری، مردم و جامعه را با واقعیات آشنا کند. از این رو وقتی آیت‌الله بروجردی گاهی رفتار عوام‌پسند برخی از روحانیان را می‌دید، ناراحت می‌شد و با آن برخورد می‌کرد. برای مثال، روزی هنگام ورود به حرم حضرت امام رضا<sup>ع</sup> وقتی مشاهده کرد یکی از اهل علم همچون سایر عوام، در مقابل ضریح حضرت به رسم احترام به سجده افتاده است، با عصبانیت با عصای خود بر پشت آن شخص زد و گفت: این چه کاری است که می‌کنی؟! با این عملت دو گناه مرتکب شده‌ای: یکی سجده بر غیر خدا کرده‌ای، و دوم دیگران با پیروی از شما مردم دچار اشتباه می‌شوند.<sup>۳</sup>

یا برای دسته‌های عزاداری در قم پیغام داد تا از کارهای خرافی، غیرمستند و ناروا (مانند قمه‌زنی) که بهانه دست دشمن می‌داد، پرهیز کنند.<sup>۴</sup>

همچنین ایشان برای آنکه نشان دهد دین و حوزه علمیه نه تنها مخالف علوم جدید نیست، بلکه به شکوفایی آن کمک می‌کنند، اجازه می‌داد تا مبالغ زیادی از وجود و سهم امام را صرف تأسیس بعضی از دبستان‌ها و دبیرستان‌ها کنند. در یک اقدام ایشان اجازه داد از وجوهات، دبیرستان «کمال» نارمک ساخته شود.<sup>۵</sup>

امام خمینی<sup>ع</sup> نیز تمام‌قد در مقابل این جریان قد علم کرد. ایشان حتی وقتی به خاطر توجیه «برنامه اصلاحات ارضی» در سال ۱۳۴۱ مقامات دولتی شهر قم به دیدارش رفتند، خطاب به دولت گفت:

جناب آقای نخست‌وزیر در نطق اخیری که ایراد نموده، فرموده‌اند که ما شروع به اصلاحات نموده‌ایم، ولی عده‌ای مانع این اصلاحات هستند. اگر نظر ایشان روحانیون و آخوندها هستند، روحانیون پشتیبان اصلاحات می‌باشند. هرآینه دولت کارخانه بسازد و فرهنگ را تقویت نماید و زراعت را با اصول جدید ترویج دهد و یا در پیشرفت صنعت و طب و بهداشت اقدام نماید، ما از دولت پشتیبانی می‌کنیم و کمک هم می‌نماییم. کدام آخوندی مخالف این‌گونه امور اصلاحی است؟!<sup>۶</sup>

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۲۴۱.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، کشف الاسرار، ص ۶.

۳. فصلنامه حوزه، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۱۲، به نقل از: علی‌تقی ذبیح‌زاده، مرجعیت و سیاست در عصر غیبت، ص ۱۴۵.

۴. همان، ص ۲۶۷.

۵. مرتضی مطهری، تکامل اجتماعی انسان (مزایا و خدمات مرحوم آیت‌الله بروجردی)، ص ۲۰۷.

۶. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۲۲-۱۲۳.

اما در عین حال، مرتب تذکر می‌داد که این دستگاه جبار قصد اصلاحات و پیشرفت و ترقی ندارد، بلکه به اسم «پیشرفت» می‌خواهد اسلام را نابود کند.

لازم است به آقایان محترم تذکر دهم: به طوری که از قرائن ظاهر می‌شود دستگاه جبار درصدد تصرف در احکام ضروریه اسلام است، بلکه شاید - خدای نخواست - بخواهند قدم‌های بلندتری بردارند. ... دستگاه جبار گمان کرده با زمزمه «تساوی حقوق» می‌تواند راهی برای پیشرفت مقاصد شوم خود، که آن ضربه نهایی به اسلام است، باز کند... گمان کرده به اسم «آزادی بانوان» می‌تواند ملت مسلمان را اغفال کند تا مقاصد شوم اسرائیل را اجرا کند.<sup>۱</sup>

امام خمینی علیه السلام همچنین یادآور می‌شود که این برنامه از بیرون مرزها تنظیم شده و قرار است راه برای استعمار باز شود. بنابراین تأکید می‌کند:

باید ملت ایران عقب‌مانده، و فرهنگ قرآن و اسلام مهجور، و قوانین نقض شود و فساد و فحشا تا اعماق این ماتمسرا که اسمش «ایران» است، کشیده شود تا استعمار نو با خیال راحت به چپاولگری خود ادامه دهد و... تا مخازن نفت و سایر معادن ما غارت گردد.<sup>۲</sup>

همچنین امام خمینی علیه السلام با ظرافت دریافته بود که پهلوی‌ها دنبال توسعه واقعی کشور نیستند، بلکه آنها چون عمال اجانب هستند، با شعار «توسعه و پیشرفت» قصد دارند مردم را با خود همراه کنند تا بتوانند بر کشور و مقدرات آن مسلط شوند. فقط شعار پیشرفت می‌دهند، اما در عمل چیزی جز بدبختی، فلاکت و عقب‌ماندگی نصیب این کشور نشده است. در این خصوص تنها برخی از مطالب ایشان برای نمونه ذکر می‌شود:

... یکی از خبرنگاران پس از بازدید از وضع مردم جنوب، چنین نوشته بود که در جنوب ایران در دهات اصلاً از دکنر و دارو خبری نیست، آب وجود ندارد؛ و یک ده اکثر مردمش کور بودند. خلاصه از کلیه وسایل و نیازمندی‌های اولیه زندگی محروم بودند!<sup>۳</sup>

آقایان در کاخ‌های خود نشسته‌اند، می‌گویند: «ملت مترقی!»! ملت مترقی از گرسنگی می‌میرد؟! ... و مرتب دم از برنامه مترقی می‌زنند! می‌گویند: کشور ما در ردیف کشورهای طراز اول است! مگر با رفتن چند زن به مجلس، مملکت مترقی می‌شود؟! ... نقشه آن است که به اسم «اصلاحات» مملکت را به حال عقب‌افتادگی نگاه دارند...<sup>۴</sup>

شاه بیش از ده سال است که فریاد از پیشرفت کشور می‌زند، در حالی که اکثریت ملت را در فقر و فاقه غوطه‌ور ساخته... ولی در دهات و قصبات - که قسمت عمده جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند - از مواهب اولیه زندگی خبری نیست... قدرت کشاورزی از کشور سلب گردیده، وضع کشاورزان و کارگران روز به روز وخیم‌تر شده...<sup>۵</sup>

۱. همان، ص ۱۹۹-۲۰۰.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۵۰-۴۵۱.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۷۱.

۴. همان، ج ۲، ص ۱۲۹-۱۳۰.

۵. همان، ج ۳، ص ۷۳-۷۵.



امام خمینی علیه السلام متذکر می‌شود که نه تنها عقب‌افتادگی اقتصادی وجود ندارد، بلکه در هیچ زمینه‌ای کشور رشد نداشته است، بلکه حتی از گذشته نزدیک خود که انقلاب مشروطه باشد، سیر عقبگرد داشته و کشور از یک کشور «مشروطه» به یک کشور «استبدادی» تغییر کرده است:

شاه از مشروطه و قانون اساسی دم می‌زند، در صورتی که خود او در رأس مخالفین قانون اساسی و مشروطیت، اساس مشروطه را از بین برده است.<sup>۱</sup>

پس امام خمینی علیه السلام به نمونه‌هایی اشاره می‌کند که به‌صراحت خلاف قانون اساسی است و به استناد آنها می‌توان ادعا کرد شاه علناً قانون اساسی را زیر پا نهاده است:

کوتاه کردن دست ملت از فعالیت‌های اقتصادی خیانت به ملت و نقض قانون اساسی است؛ مصونیت دادن به اجانب و عمال آنها مخالفت با مشروطه و قانون اساسی است؛ و اصولاً دخالت شاه (که به حسب نص قانون اساسی مقام غیرمسئولی است) در امور کشور و قوای مملکت بازگشت به دوران سیاه استبداد و نقض قانون اساسی است...<sup>۲</sup>

نمودار ۱: واکنش حوزه‌های علمیه در برابر تلاش‌های حکومت در استفاده از حربه توسعه

### واکنش حوزه‌های علمیه

۱. نهی *آیت‌الله بروجردی* از رفتارهای عوام‌پسند برخی از طلاب؛
۲. فتوای *آیت‌الله بروجردی* به حرمت انجام کارهای خرافی و غیرمستند؛
۳. دادن وجوهات برای توسعه علوم جدید؛
۴. تبیین نقشه‌های حکومت پهلوی در بدنام کردن حوزه‌ها؛
۵. تبیین منبع این برنامه‌ها به اینکه سرمنشأ این دوگانگی ارتجاع و توسعه استعمار است.
۶. تبیین اینکه علی‌رغم شعار «توسعه» دولت، هر روز کشور بیشتر در منجلاب فقر و عقب‌ماندگی فرو می‌رود.
۷. تبیین این مسئله که دولت از توسعه تنها یک قرائت سطحی به معنای فسق و فجور را به مردم تحمیل می‌کند.
۸. بیان علل واقعی عقب‌ماندگی و پیشرفت.

تلاش حکومت  
در استفاده از  
حربه توسعه بر  
علیه حوزه

### ۲-۳. بیان علل واقعی عقب‌ماندگی کشور

از نظر فرهیختگان حوزه علمیه قم عقب‌ماندگی ایران عللی دارد که برای پیشرفت کشور ابتدا باید آنها را درمان کرد که مهم‌ترین آنها به شرح ذیل است:

۱. همان.

۲. همان.

۱. یکجانبه دیدن اسلام: از نظر شهید مطهری یکی از مهم‌ترین علل عقب‌ماندگی جامعه ایران یکجانبه‌گرایی مسلمانان در قرون اخیر بوده است. ایشان می‌نویسد:

برخی به حدی یکجانبه‌گرا هستند که اگر جهاد را بگیرد و اسلام را در جهاد خلاصه کند سر از کمونیزم درمی‌آورد. اسلام که یک روز پیش رفت برای این بود که یک مسلمان در آن زمان، هم قائم باللیل بود و هم صائم بالنهار و هم ضارب بالسیف و این جنبه‌ها با هم توأم بودند. لذا می‌توانست پیام اسلام را به جهان برساند، و بعدها که بعضی جنبه‌ها بیشتر مورد توجه قرار گرفت و جنبه‌های دیگر نادیده گرفته شد، نه تنها دیگر اسلام پیشرفت نکرد، بلکه به عقب هم برگشت.<sup>۱</sup>

۲. غرور مسلمانان به حقانیت خود:<sup>۲</sup> آیت‌الله شاه‌آبادی (استاد اخلاق امام خمینی علیه السلام) معتقد است: همان‌گونه که در عبادات، غرور و عجب مایه تنزل است، در امور اجتماعی نیز غرور ملت به حقانیت خود، موجب رخوت و بی‌حالی می‌شود. ایشان در این باره می‌نویسد:

[غرور] منشا تحویل دادن میدان دعوت است به معاندین، و موجب قناعت نمودن اسلام انفرادی و ترک تبلیغات و امر به معروف و نهی از منکر شده است؛ چنانچه غرور به شفاعت، منشا ارتکاب انواع رذائل اخلاقیه و اقسام معاصی کبیره گردیده است.<sup>۳</sup>

۳. ناامیدی: امید همواره پیش‌برنده است. یکی از عوامل رکود و توقف<sup>۴</sup> ناامیدی است. از ابتدای عصر جدید همواره بسیاری از روشنفکران چنین تبلیغ می‌کردند که فاصله ما با غرب زیاد است و امکان اینکه ما بتوانیم به آنها برسیم، وجود ندارد.<sup>۵</sup>

۴. وجود اختلافات در میان مسلمانان:<sup>۶</sup>

به واسطه اختلاط با اجانب که موجب اضمحلال هریک شده، معاشاً و معاداً... و هرچه افراد و افتراق بیشتر شود، اختلاف و انحلال شدت نماید، تا به سرحد انعدام همه جهات و حیثیات رسد.<sup>۷</sup>

۵. جهل به مرام اسلام (غفلت از تأسیس حکومت اسلامی): علمای دین معتقد بودند که عمده بدبختی‌های مسلمانان این است مردم از اسلام رویگردان شده‌اند. آیت‌الله شاه‌آبادی مقصود از «مرام اسلام» را معنا کرده، می‌نویسد: اسلام را دو مرام است: اول. حفظ اختصاص حکومت مطلقه به قرآن مجید؛ دوم. حفظ اختصاص ولایت مطلقه به مقام مقدس حضرت حجة‌بن‌الحسن صاحب‌العصر و الزمان.<sup>۸</sup>

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۳، ص ۷۹۸.

۲. محمدعلی شاه‌آبادی، سئدات المعارف، ص ۴.

۳. همان، ص ۴.

۴. همان، ص ۵.

۵. ملک ناظم‌الدوله، «دستگاه دیوان»، ص ۹۵، ۹۴، ۹۵، فریدون آدمیت، فکر آزادی، ص ۱۲۰-۱۲۶.

۶. محمدعلی شاه‌آبادی، سئدات المعارف، ص ۳.

۷. همان، ص ۵.

۸. همان، ص ۶-۷.

منظور ایشان از «مقام مقدس» آن است که در زمان کنونی ما نواب عام حضرت، یعنی مجتهدان عظام باید از بین خود یکی را به زعامت جامعه برگزینند. بنابراین تصریح دارد که «رئیس ناحیه مقدسه اسلام در هر عصری باید مجتهد عادل بوده باشد به تصدیق اهل خبره»<sup>۱</sup>.

در حقیقت، آیت‌الله شاه‌آبادی تلاش داشت علل‌العلل نابسامانی کشورهای اسلامی (به‌ویژه ایران) را نداشتن حکومت اسلامی بیان کند.

**۶. وضع قوانین خلاف شرع:** امام خمینی علیه السلام معتقد بود: وضع و اجرای قوانین خلاف شرع که از فرانسه و سایر کشورهای اسلامی برای ایران تجویز شده، نه تنها در رشد و توسعه ایران مفید نبوده، بلکه موجب عقب‌ماندگی بیشتر کشور شده است. ایشان در این خصوص می‌نویسد:

خوب است یک نظری بیندازید به تشکیلات امروزی... جمله کلام از سپور این دم کوچه تا بالا هر جا می‌خواهید بروید و افکار متشسته و خیالات درهم و برهم و آراء و عقاید مخالف یکدیگر و نفع‌طلبی‌ها و شهوترانی‌ها و بی‌عفتی‌ها و جنایتکاری‌ها و خیانت‌کاری‌ها و هزارها چیز دیگر را با چشم باز تماشا کنید، آنگاه بفهمید... شما فقط یک ماه قانون مشروطه را عملی کنید که (هر قانونی که بر خلاف قانون شرع باشد قانونیت ندارد) تا تمام افراد این مملکت با هم، هم‌آواز شوند و وضع کشور به سرعت برق تغییر می‌کند...<sup>۲</sup>

**۷. نگاه سطحی به توسعه:** امام خمینی علیه السلام یکی از علل عقب‌ماندگی کشور را داشتن نگاه سطحی به پیشرفت می‌داند. ایشان در این باره می‌نویسد:

آنهایی که اینقدر قوه تمیز ندارند که کلاه لگنی را که پس‌مانده درندگان اروپاست، مایه ترقی کشور می‌دانند... عقل و هوش و حس آنها را اجانب دزدیده‌اند. کسانی که اینقدر حس و شعور خود را در مقابل اجانب از دست داده‌اند که...<sup>۳</sup>

**۸. استعمار:** امام خمینی علیه السلام معتقد بود: استعمار در تلاش است هر روز با شکلی جدید از پیشرفت کشورهای دیگر، از جمله ایران جلوگیری کند. ایشان در این باره می‌نویسد:

اجانب که نقشه‌های خود را می‌خواستند عملی کنند و با کلاه گذاشتن سر شما می‌خواستند کلاه را از سر شما بردارند از دور با چشم استهزا به شماها نگاه می‌کردند و به کارهای کودکانه شما می‌خندیدند. شما با کلاه لگنی دور خیابان‌ها قدم می‌زدید و با دخترهای برهنه سرگرم بودید و با این وضع افتخار می‌کردید، غافل از آنکه در سرتاسر کشور افتخارات تاریخی شما را بردند و در سرتاسر کشور منابع ثروت شما رفت.<sup>۴</sup>

۱. همان، ص ۱۶۱.

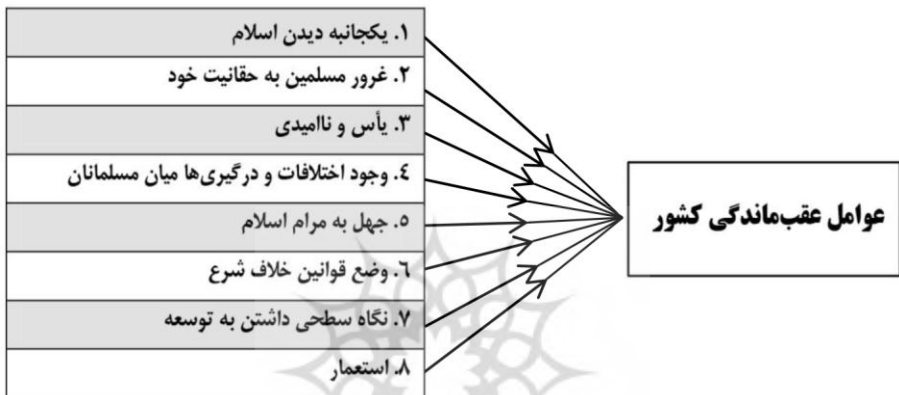
۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، کشف‌الاسرار، ص ۲۲۲-۲۲۳.

۳. همان، ص ۲۲۳-۲۲۴.

۴. همان، ص ۲۲۴.

ایشان نگاه سطحی به توسعه را از نقشه‌های استعمار نو می‌داند که اگر روزی با طرح «تحت‌الحمايگی ایران» تحت قرارداد وثوق‌الدوله یا همان «قرارداد ۱۹۱۹» نتوانست نقشه‌های شوم خود را عملی کند، بعد از رضاخان همان نقشه‌ها را با ظاهری جذاب عملی کردند:

شما همگی به قرارداد وثوق‌الدوله نفرین کردید و لعنت فرستادید؛ حق هم داشتید بکنید، لکن پس از چند روز همان نقشه را با وضع بدتری که همه می‌دانید به گردن شما بار کردند و شما آن را از ترقیات دوره پهلوی و پیشرفت‌های کشور تشخیص دادید، درحالی که بین شما اشخاصی بودند که خون دل می‌خوردند و از ترس سرنیزه سکوت کردند.<sup>۱</sup>



نمودار ۲: علل عقب‌ماندگی کشور از نظر فرهیختگان حوزه علمیه قم

### ۳-۳. بیان عوامل واقعی پیشرفت کشور

۱. لزوم اصلاح ساختار سیاسی کشور: آیت‌الله شاهرودی در کتاب *مدینه الاسلام روح التمدن* که در سال ۱۳۰۷ش / ۱۳۴۶ق اوج تبلیغات توسعه‌گرایی رضاشاه چاپ شد، می‌نویسد: اگر می‌خواهید کشورتان آباد باشد و از جمیع جهات معاش و معاد، جسمانی و روحانی، دنیوی و اخروی در صدر دنیا باشید باید در قدم اول به پیوند سیاست و دیانت توجه کنید<sup>۲</sup> و قبل از همه چیز باید علاج را از سیاست شروع کنید و اولین مرحله اصلاح سیاسی اجرای عدالت است و اجرای عدالت ممکن نیست، مگر به حاکمیت ولی‌فقیه جامع‌الشرايط. ایشان در این خصوص می‌نویسد:

تا حاکمی عادل نباشد نمی‌تواند به برقراری عدل در جامعه بیندیشد و آن را اجرا کند. باید از خود و خانواده و عشیره اقریب شروع نماید و آنگاه در کل جامعه، به نشر و بسط عدل، عامل شود، والا همان حاکم دیکتاتور و

۱. همان، ص ۲۲۴.

۲. احمد شاهرودی، *مدینه الاسلام روح التمدن*، ص ۲۴۰-۲۴۳.

مستبد می‌گردد. با این وصف، بعد از معصوم، وارثان عدل (یعنی فقهای امت) پاکان ملت، ختم این کلامند و عامل آبادی عالم. پس خرابی شرع... پس شریعت است که عالم به او قائم به عدل است و ترک شرع همان ظلمی است که باعث خرابی عالم است؛ چنانچه تا شرع قائم بود عالم اسلامیت روی به ترقی و تعالی داشت.<sup>۱</sup>

آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی (استاد اخلاق امام خمینی<sup>(ع)</sup>) نیز شروع پیشرفت کشور را به تأسیس حکومت اسلامی می‌داند و حتی برای تحقق آن برنامه‌ای منظم طرح‌ریزی می‌کند که اساس طرح‌ریزی این برنامه بر ناحیه مقدسه اسلام استوار است.

کلمه «ناحیه مقدسه اسلام» از نظر ایشان نوعی زمینه‌سازی برای تشکیل حکومت اسلامی است. ایشان ناحیه مقدسه اسلام را شامل سه دسته می‌داند:

دسته اول. هسته مرکزی نهضت که تعدادشان اندک است. اینان فقهای جامع‌الشرایط و رهبران نهضت هستند. او تصریح دارد که «رئیس ناحیه مقدسه اسلام در هر عصری باید مجتهد عادل بوده باشد به تصدیق اهل خبره».<sup>۲</sup> دسته دوم. افرادی که جنبه نیمه‌پیرامونی دارند و تعداد اینها بیش از دسته اول است، ولی از دسته سوم کمتر است. این دسته شامل نخبگان فکری و مذهبی جامعه هستند که وظیفه رهبری توده‌ها و حلقه اتصال هسته مرکزی به دسته سوم هستند.

دسته سوم. جنبه پیرامونی دارند و عمده نیروهای انقلابی را تشکیل می‌دهند و عبارت از کل جامعه و همه طرفداران هستند.<sup>۳</sup>

ایشان برای مجاهدان رعایت پنج اصل را ضروری دانسته، می‌نویسد:

قیام لله محتاج است به پنج چیز:

اول. اعتصام به جبل‌الله که حاصل نشود، مگر... معاهده با نائب امام<sup>(ع)</sup> است بر ترک معصیت...؛

دوم. سپردن دوام وضوء که «الوضوء جنة»؛

سوم. چون شیطان نفس حیله کند او را رجم نمایند به خواندن...؛

چهارم. آنکه لااقل یک نفر را هدایت کند برای معاهده مذکور؛

پنجم. آنکه لااقل هفته‌ای یک روز برای جماعت حاضر شوند.<sup>۴</sup>

**۲. توجه به ظرفیت‌های داخلی:** آیت‌الله شاه‌آبادی در توجه به ظرفیت‌های داخلی به جزئیات پرداخته، برای پیشرفت کشور، توجه ویژه به امور ذیل را ضروری می‌داند:

۱. همان، ص ۲۵۰.

۲. محمدعلی شاه‌آبادی، *شذرات المعارف*، ص ۱۶۱.

۳. همان، ص ۱۷۳ و ۱۷۶.

۴. همان، ص ۱۷۷-۱۷۸.

الف. توسعه کشاورزی؛ ایشان توسعه کشاورزی را اولین قدم برای تهیه عُدّه عنوان می‌کند<sup>۱</sup> و آن را وسیله استغای از اجانب و موجب استقلال کشور می‌داند. او در این خصوص می‌نویسد:

پس باید احداث ربط مابین اجزای معده که «آب» و «خاک» و «انسان» است، بنماید و خصوصاً در مملکت ایران که اجزایش بسیار است، تا آنکه در سایه این ارتباط، تحصیل معاش حلال و تسهیل آن نموده، و مرفه الحال به قسمت دیگر امر راجع به معاد است، نایل شویم.<sup>۲</sup>

ب. رشد صنعت؛

ج. توسعه تجارت؛ همچنین سومین راه تهیه عُدّه تجارت است. از فحوای کلام ایشان چنین برمی‌آید که منظورشان از تجارت، تجارت بین‌الملل و خارجی است. ایشان در این باره می‌گوید:

سوم [از اصول معاونات] باب تجارت [است]، و این متأخر است از هریک از آن دو؛ زیرا که تجارت<sup>۳</sup> فرع داشتن و زیاد بودن از حاجت است به سبب زراعت و صنعت، و چون آن دو ناقص، بلکه بایش مسدود [است] لذا نوع اهل ایران خَمال و آلات و ادوات اجانب شده‌اند... علاوه، ای کاش تجار ما حَمال آنها بودند در امور صالحه! بین تجارت آلات لهو و لعب و عروسک و مشروبات و غیرها می‌نمایند، که موجب هزاران بیچارگی شده و خواهد شد.<sup>۴</sup>

۳. تأسیس مؤسسات قرض الحسنه: سومین وسیله تهیه عُدّه را احداث مراکز قرض الحسنه می‌داند. ایشان پس از طرح این مسئله، به تفصیل درباره بانک‌ها و مشکلاتی که ربا برای مردم درست کرده، سخن می‌گوید و تأکید می‌کند که در دولت اسلامی باید سنت حسنه «قرض الحسنه» جایگزین سنت سیئه «وام تنزیلی» گردد.<sup>۴</sup>

۴. ایجاد مراکز کمک به مستضعفان: چهارمین وسیله تهیه عُدّه اعانت مظلومان و بیچارگان و دستگیری از آنهاست و تأکید دارد:

چون ضعفاء را مساعدت ننمایی البته از فوائد وجود آنها محروم مانی و اعداء از آنها استفاده خواهند نمود. نظر کن به اعانات خارجه که به اقسام مختلفه، از احداث مریضخانه و مدارس و اعانات دیگر عده‌ای از جهال و نادانان را متوجه خود ساخته‌اند و همه قسم از وجود آنها استفاده می‌کنند.<sup>۵</sup>

۵. لزوم توجه ویژه به صنایع جدید: آیت‌الله شاهرودی نیز بعد از بیان محسنات مصنوعات صنعتی، به جای منسوجات و وسایل سنتی، با استناد به آیات قرآنی می‌نویسد:

کسی منکر صنایع و تکنولوژی جدید نیست: «قل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده و الطيبات من الرزق»؛ «احل لكم الطيبات»؛ «خلق لكم ما فی الارض جمیعاً»؛ «و اقصد فی مشیک»؛ «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة» و... در این حیث، کهنه پرست نداریم، بلکه همه طبقات از عالیه تا سافله، چشم به رقاء و استعلاء و تکمیل و غناء در این امور دارند.<sup>۶</sup>

۱. همان، ص ۴۰.

۲. همان.

۳. همان، ص ۴۱-۴۲.

۴. رک: همان، ص ۴۲.

۵. همان، ص ۴۳.

۶. پرهیز از فرهنگ غربی و بازگشت به فرهنگ اسلامی: همان گونه که از نگاه امام خمینی علیه السلام یکی از اسباب عقب ماندگی نگاه سطحی به غرب قلمداد شد، تفکیک بین علم و صنعت غرب و فرهنگ آنها نیز از اسباب ترقی محسوب می شود.

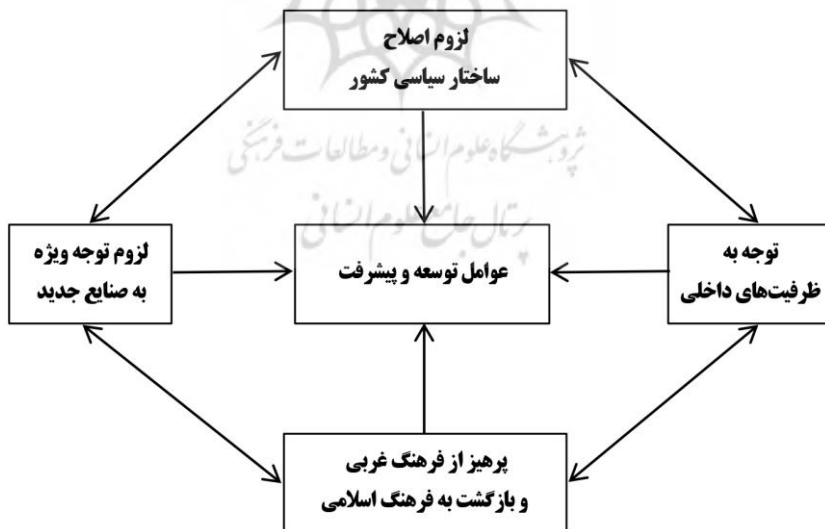
امام خمینی علیه السلام در این خصوص می نویسد:

امروزه نگاه کنید، ببینید اروپاییان به کجا رسیدند؟! آیا اروپای امروز را که مستی بی خرد آرزوی آن را می برند باید جزء ملل متمدنه به شمار آورد؟ اروپایی که جز خونخواری و آدمکشی و کشورسوزی مرامی ندارد و جز زندگی ننگین سراسر آشوب و هوسرانی های خانمان سوز منظوری در پیش او نیست، با قانون اسلام که کانون عدالت و دادگری است، چه کار؟

اروپا به کجا رسیده که از او ستایش می کنید؟ اروپایی که صدها هزار تن بمب در شهرهای همکیشان خود ریخته و ریشه حیات زن های مظلوم و کودکان خردسال را از بیخ و بن کنده، باز نام او را در طومار انسانی می آورید؟ ... زندگی امروز اروپا از بدترین زندگانی هاست؛ با هیچ قانونی آن را نمی توان وفق داد...<sup>۱</sup>

چه شد که عمل کردن به قانون های خدای جهان که اساسش بر عدل و درستی است، موجب بدبختی کشور است، لکن عمل کردن به قانون پوسیده این کشور که از مغز مسموم اجنبی ها که منافع کشور شما و منابع ثروت کشور را فدای کشورهای خودشان می خواهند، بکنند، از خوشبختی کشور است... آری، از همه نیکبختی ها یک کلاه لگنی نیم خورده دیگران و یک کشف حجاب عفت سوز خانمان به هم زن و چندین خیابان عریض و طویل با رفتن منابع ثروت و فضایل اخلاق نصیب این کشور شده است!<sup>۲</sup>

نمودار ۳: عوامل پیشرفت از نظر علمای حوزه علمیه قم



۱. سیدروح الله موسوی خمینی، کشف الاسرار، ص ۲۷۱-۲۷۲.

#### ۴. الگوی پیشنه‌های حوزه علمیه قم برای پیشرفت کشور

هرچند در میان تحصیل کرده‌های حوزه علمیه قم افراد متعددی اظهار نظر کرده‌اند، اما نظرات سه تن (آیات عظام احمد شاهرودی، امام خمینی ره و محمدعلی شاه‌آبادی) برای پیشرفت کشور حائز اهمیت است.

امام خمینی ره ابتدا تفاوت ماهوی انسان و حیوانات را متذکر می‌شود، سپس تصریح می‌کند به اینکه چون انسان برخلاف حیوانات، زندگی اخروی دارد، نیازمند انبیاست:

ما احتیاج به انبیا داریم؛ برای اینکه انسان مثل حیوانات نیست که یک حد حیوانی داشته باشد و تمام بشود. انسان یک حد مافوق حیوانی و یک مراتب مافوق حیوانی مافوق عقل [دارد]، تا برسد به مقامی که نمی‌توانیم از آن تعبیر کنیم، و [از] آن آخر مقام - مثلاً - تعبیر می‌کنند [به] «فنا»، تعبیر می‌کنند «کالآلوهیه». یک تعبیرات مختلفی [می‌کنند]؛ چون که تربیت انسان به همه ابعادش، هم تربیت جسمی و هم روحی و هم عقلی و هم مافوق آن، نمی‌شود در عهده بشر باشد؛ برای اینکه بشر اطلاع ندارد از احتیاجات انسان و کیفیت تربیت انسان نسبت به ماورای طبیعت. تمام قوای بشر را روی هم بگذارید، همین طبیعت را و خاصیت طبیعت را می‌تواند بفهمد؛ منتها باز همه خاصیت‌های طبیعت برای بشر هم کشف نشده است. اخیراً خوب، زیاد پیشرفت کرده است، لکن مانده است خیلی چیزها که بعدها کشف خواهد شد؛ اما تا آخر هر چه بشود مال طبیعت است. پس تمام پیشرفت‌های کنونی‌ای که در غرب اتفاق افتاده مربوط به زندگی مادی بشر است و اینها ترقیات طبیعی خودش هست. این است که عالم طبیعت را [با] همه خصوصیات [بفهمد]. فرض کنید یک وقتی همه خصوصیات عالم طبیعت را انسان بفهمد و همه چیزهایی که مربوط به کمال طبیعت است و ترقیات در طبیعت، اینها را هم انسان کشف بکند، لکن حدش حد طبیعت است. ... این آمال طبیعی انسان را فقط می‌تواند برآورده کند...<sup>۱</sup>

از این رو پیشرفت واقعی وقتی است که دو بعد داشته باشد: هم بعد مادی و هم بعد معنوی، و رسالت ما این است که هم‌طراز پیشرفت‌های مادی و آبادانی مادی کشور، پیشرفت معنوی هم داشته باشیم.<sup>۲</sup>

امام خمینی ره در جای دیگر، وقتی از ایشان درباره برنامه‌هایش سؤال می‌کنند به جزئیات پرداخته، بیشتر این الگو را تشریح می‌کند. برنامه‌های ایشان چند اصل دارد:

۱. توسعه کشاورزی؛
۲. توزیع ثروت و درآمدها براساس عدالت اسلامی؛
۳. ایجاد صنایع مستقل، بنیادی و مادر، به گونه‌ای که هر گونه وابستگی از بین برود و کالاهای مصرفی صنعتی نیز به شکلی همراه با آن پیشرفت می‌کند که منافع مصرف‌کنندگان ایرانی را مقدم بر هر چیز حفظ خواهد کرد.
۴. هم‌طراز کردن سطح زندگی شهری و روستایی؛
۵. کوتاه کردن دست دزدها و مفسدان مالی از بیت‌المال؛
۶. برنامه‌ریزی اقتصادی براساس نیازهای معقول و منطقی جامعه.<sup>۳</sup>

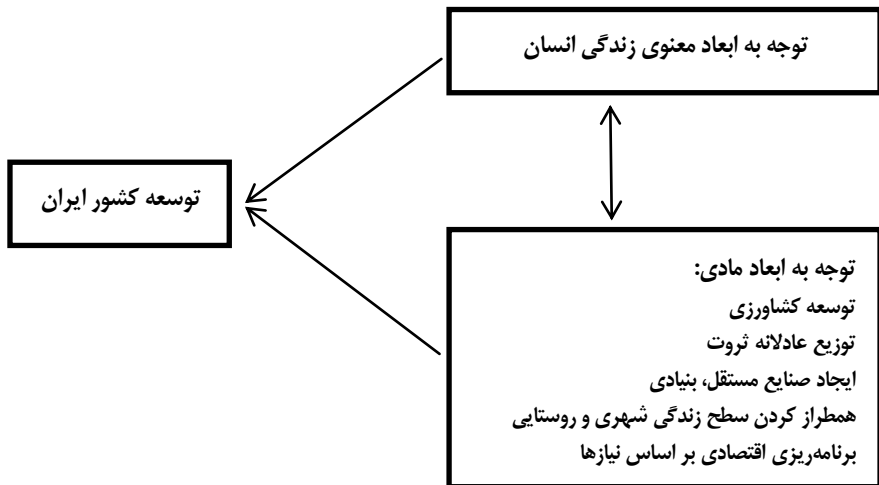
۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۴، ص ۱۸۷-۱۸۸.

۲. همان، ج ۱۷، ص ۳۸۴.

۳. همان، ج ۴، ص ۵۰۷-۵۰۵.



نمودار ۴: الگوی توسعه حوزه علمیه قم



### نتیجه‌گیری

۱. استعمار کوشید با استفاده از یادی خود، دوگانگی «توسعه و ارتجاع» را در میان مردم جا بیندازد، به‌گونه‌ای که مردم روحانیت و دین را به‌مثابه نمادهای بی‌سواد، خرافه‌پرستی و از عوامل عقب‌ماندگی کشور بیندارند. و چون اکثریت مردم - به صورت طبیعی - خواهان زندگی بهتر و عظمت کشور خود هستند، از روحانیت و دین فاصله گرفته، به تدریج این امر به انزوای روحانیت انجامیده، دیانت را به فراموشی می‌سپرند.
  ۲. علمای حوزه علمیه قم با زیرکی این سیاست استعمار را دریافتند و با تربیت نسلی فرهیخته و مخالفت با هر نوع عوام‌زدگی و با روشنگری، با این سیاست استعمار به مبارزه برخاستند و توانستند با نوشتن کتاب و ایراد سخنرانی حقیقت را برای مردم روشن سازند.
  ۳. فرهیختگان حوزه علمیه قم با طرح الگوی «تجدد اسلامی» روشن ساختند که اساساً آنها برای پیشرفت کشور خود، به نظریه‌پردازی اقدام کرده‌اند و در الگوشان دو جنبه پیشرفت معنوی و مادی به موازات هم رشد می‌کند و این یعنی تمام بدبختی‌های بشر امروز را حوزه علمیه می‌تواند برطرف سازد.
- نتیجه تبیین حوزه علمیه قم این شد که نه‌تنها مردم از حوزه و روحانیت روی برنگردانند، بلکه با اقبال میلیونی به حوزه‌ها، زمینه برپایی حکومت اسلامی و در نتیجه فضا برای اجرای الگوی «پیشرفت و تجدد اسلامی» را فراهم کردند و انقلاب اسلامی نتیجه اقدامات هوشیارانه فرهیختگان حوزه علمیه قم به رهبری امام خمینی علیه السلام بود.

## منابع

- ازکیا، مصطفی، *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران، کلمه، ۱۳۷۷.
- آدمیت، فریدون، *فکر آزادی*، تهران، خوارزمی، ۱۳۹۴.
- پاپکین، ریچارد هنری، *دین، اینجا، اکنون*، ترجمه مجید مجیدی، تهران، قطره، ۱۳۷۷.
- تودارو، مایکل، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، تهران سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۶.
- توسلی، غلامعباس، *نظریه‌های جامعه‌شناختی*، تهران، سمت، ۱۳۸۷.
- جعفری، محمدرضا، *فرهنگ نشر نو*، تهران، فاخته، ۱۳۷۶.
- ذبیح‌زاده، علی‌نقی، *مرجعیت و سیاست در عصر غیبت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۶.
- شاه‌آبادی، محمدعلی، *سذرات المعارف*، تصحیح و تحقیق بنیاد علوم و معارف اسلامی دانش‌پژوهان، تهران، ستاد بزرگداشت مقام عرفان و شهادت، ۱۳۸۰.
- شاه‌رودی، احمد، *مدینه الاسلام و روح تمدن*، نجف اشرف، بی‌جا، ۱۳۴۶ق.
- فوزی توپسرکانی، یحیی، *مذهب و مدرنیزاسیون در ایران*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی، *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۰.
- علی‌مددی، سهیل، «نقش تاریخی آیت‌الله حائری یزدی»، *روزنامه ایران*، ش ۶۲۵ (۱۳۷۶/۱/۱۷).
- مطهری، مرتضی، *تکامل اجتماعی انسان (مزایا و خدمات مرحوم آیت‌الله بروجردی)*، تهران، صدرا، ۱۳۷۲.
- ، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا، ۱۳۷۸.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲.
- ، *کشف الاسرار*، تهران، بی‌تا.
- ناظم‌الدوله، ملکم، «دستگاه دیوان»، در: *مجموعه آثار میرزا ملکم‌خان*، تهران، کتابخانه دانش، ۱۳۲۷.

Fairchild, H. P., *Dictionary of Sociology and Related Sciences*, N. J. Littlefield, Adams & Co, 1976.

Hoult, T. F., *Dictionary of Modern Sociology*, N.J., Alittlefied, Adams & Co, 1977.

Lerner, Daniel, "Modernization, Sosial Aspects", in: D. L. Sills (ed.), *International Encyclopedia of the Social Sciences*, New York, Macmillan and FreePress, 1968.